

پیامدهای شیوع بی حیایی در جامعه بر تضعیف بنیان خانواده

استاد راهنما: فاطمه نصراللهی

فاطمه خاکی، نفیسه مسعودی، هاجر عرفانی، زهرا مهدیه نجف آبادی

مدرسه علمیه فاطمیه سلام الله علیها نجف آباد، استان اصفهان

چکیده

حیا، از مهم‌ترین عوامل حفظ عفت عمومی جامعه، در ادیان آسمانی، مورد تأکید قرار گرفته‌است. امروزه با گسترش روابط بشری و تشکیل دهکده جهانی، میزان آسیب‌پذیری افراد در روابط بین‌فردی، بیشتر شده‌است، لذا باید اصولی برای حفظ اینگونه روابط در نظر گرفته‌شود. شرم و حیا نقش هدایت جامعه و کنترل و بهینه‌سازی روابط را دارد. نیز کشاندن مسائل جنسی از محیط خانواده به جامعه، زمینه‌ی از هم پاشیدن بنیان خانواده‌ها را فراهم می‌آورد که نشان از ضرورت بحث دارد. از نتایج این پژوهش به صورت توصیفی و تحلیلی این است که حیا در نگاه، گفتار، کردار و پوشش، برخی از جلوه‌های حیا در افعال و جوارح انسان هستند و با مراجعه به آیات و روایات می‌توان گفت که طلاق، عدم وفاداری به همسر، عدم تعهد و پایبندی به زندگی، غفلت و هرزگی و سست شدن حریم حیا و عفاف در اجتماع، برخی از پیامدهای شیوع بی‌حیایی در جامعه بر تضعیف نظام خانواده است.

کلیدواژه‌ها: بی‌حیایی، حیا، خانواده، عفت.

مقدمه

حیا خصلتی نیکو و پسندیده می‌باشد که تمام ابعاد زندگی انسان را اعم از گفتار، رفتار و حتی اشاره در بر گرفته است و نیروی بازدارنده ای است که انسان را از ارتکاب اعمال قبیح باز می‌دارد. در قرآن کریم آیات متعددی اشاره به این گوهر ارزشمند و موهبت الهی دارد و خداوند عزیز برای اعتلای شخصیت انسان ها و سلامت و امنیت خانواده و جامعه و رسیدن آنان به کمال دعوت به حیا نموده است حیا، در گفتار، شنیدار، پندار، کردار و پوشش انسان جلوه گری می نماید.

یکی از دغدغه های فکری شخص مسلمان این است که چگونه کرامت توأم با عزت نفس پیدا کند یا به عبارتی با استفاده از چه راهکارهایی خود را به فضائل اخلاقی متصل و چگونه از زشتی ها و عیوب مختلف دور نماید و یا با استفاده از چه صورت‌هایی و اهرم‌هایی می‌تواند روابط فردی و خانوادگی را توأم با وزانت و وقار و اخلاق اسلامی نمود. بدیهی است که یکی از مهم-ترین راه‌های رسیدن به کرامت و عزت نفس حیا است.

از مسائل ضروری در نهاد خانواده برخورداری افراد خانواده از حیا و عفت ورزی است که در هر لحظه از زندگی بدان نیازمندند. نیازی که برآورده شدن آن روابط اعضای خانواده را بسیار مطلوب می سازد. غفلت از این امر مهم تأثیرات سوء و دردناکی در روابط آنها با یکدیگر می گذارد و نیز باعث گسست خانواده می شود. تبیین صحیح پیامدهای شیوع بی حیایی در جامعه بر تضعیف بنیان خانواده، می تواند زمینه تحقق حیا را در خانواده به وجود آورد.

در این نوشتار با مراجعه به آموزه های دینی به پیامدهای شیوع بی حیایی در جامعه بر تضعیف بنیان خانواده با روش توصیفی – تحلیلی اشاره می شود که در مورد پیشینه تحقیق هم می توان به مقاله دیدگاه اسلام در مورد حیا و عفت و اثرگذاری آنها بر رفتار و شخصیت اجتماعی از افشین خلیلی دهدزی اشاره کرد؛ در این مقاله گذری کوتاه به آثار حیا شده و بیشتر نویسنده به مبحث عفت ورزی پرداخته است. مقاله خاستگاه، عوامل و آثار شرم و حیا در نگاه قرآن و حدیث از خادم پیرعلی؛ در این مقاله نیز نویسنده به چند مورد از آثار شرم و حیا در نگاه قرآن و حدیث پرداخته است. مقاله نقش خانواده در باز تولید فرهنگ حیا اثر هاجرالسادات قاسمی پس از توصیف نشانه‌های بی‌حیایی در فهم عامه، مفهوم حیا را مورد مذاقه قرار می دهد و عوامل ایجاد بی‌حیایی و راه‌های تربیت انسان با حیا را به اختصار بر می شمارد.

از بررسی های انجام شده به دست آمد که در مورد پیامدهای بی حیایی در جامعه بر تضعیف بنیان خانواده پژوهش مستقلی انجام نشده است.

مفهوم شناسی

1. حیا

حیا از ریشه «حی و» یا «حی ی» (فراهیدی، 1409 ق، ذیل «حیو»؛ جوهری، 1368، ذیل «حیا»)، به معنای شرم داشتن (زمخشری، 1417 ق، ص ۶۳۸) و آزرَم از ارتکاب زشتی ها (دهخدا، 1373، ذیل واژه^۱ که در مقابل آن وقاحت و بی شرمی قرار دارد) (راغب اصفهانی، 1412 ق، ص ۲۶۸؛ ابن فارس، 1404 ق، ذیل «حی»). این واژه در فرهنگ عالمان اخلاق، نوعی حالت روانی یا انفعال و انقباض نفسانی است که موجب متانت و وقار در رفتار، حرکات و سکنت انسان شده و همچنین موجب خودداری از انجام امور ناپسند در انسان می گردد و منشأ آن ترس از سرزنش دیگران است (ابن مسکویه، 1411 ق، ص ۴۱؛ طوسی، 1385، ص ۷۷). به عبارت دیگر، حیا نیروی بازدارنده ای است که انسان را از ارتکاب اعمال قبیح باز می دارد. حال، آن عمل، عمل قبیح شرعی باشد و یا عقلی و یا اینکه عرف آن را قبیح بداند (نراقی، 1377، ج 4، ص 61). حیا دارای سه رکن اصلی است: فاعل، ناظر، فعل. منظور از فاعل، شخصی است که کرامت و بزرگواری نفسانی دارد. ناظر در حیا، شخصی است که مقام و منزلت او در چشم فاعل، عظیم و بلند مرتبه است. رکن سوم، فعل است که همان فعل ناپسند و زشت نام دارد. محور بازدارندگی از فعل گناه در حیا، ادراک حضور ناظر محترم و حفظ حرمت اوست (دیلمی و آذربایجانی، 1385، ص 146). در تحقیق حاضر سعی بر آن شده تا حیا در معنای شرم داشتن از ارتکاب زشتی ها محور قرار داده شود.

2. بی حیایی

بی حیایی در لغت به معنای جسارت و پرویی و گستاخی و بی شرمی و بی ادبی (دهخدا، 1373، ذیل واژه) و در اصطلاح بی حیایی عبارت است از اینکه به کارهای زشت بپردازد و از هیچ کس ابایی نداشته باشد.

3. خانواده

خانواده در لغت به معنای سپر آهنین است و برای مرد نیروی مطمئن (فیروز آبادی، ج 2، ص 128)؛ نیز آمده است که خانواده همان عشیره و خاندان او است، چرا که با ایشان قدرتمند می- شود (شریف قرشی، 1389، ص 1).

بنابراین مفهوم لغوی خانواده تنها در حوزه و قلمرو فرزندان و خانواده مرد نیست، بلکه شامل نزدیکان و خویشاوندان او که با آن ها قدرتمند می شود نیز هست. در تعریف اصطلاحی خانواده بیان شده است که:

«خانواده عبارت از مجموعه ای است که رابطه جنسی نیرومندی آن را پدید می آورد. و این رابطه از چنان نیرویی برخوردار است که زمینه پیدایش و تربیت کودکان را فراهم می سازد.» (شریف قرشی، همان، ص 2)

به بیان دیگر خانواده «نهادی است که بر پایه ازدواج مرد وزن شکل می گیرد و با تولیدمثل، توسعه می یابد. این نهاد، اساس سازندگی شخصیت انسان و مهم ترین عامل تکامل جامعه بشر است و از این رو، اسلام، که برنامه تکامل انسان است برای تأسیس و تحکیم این نهاد سرنوشت ساز و پیشگیری از فروپاشی آن، رهنمودهای بسیار مهمی ارائه کرده است.» (محمدی ری شهری، 1389، ص 11)

4. عفت

واژه «عَفَّت» از ریشه (عَ. فَ. فَ) در لغت به معنای حالتی نفسانی که مانع تسلط شهوت بر انسان می گردد (راغب اصفهانی، 1412ق، ص 573)، خود نگهداری از غیرحلال، کارهای حرام و طمع های پست (ابن منظور، 1414ق، ج 9، ص 253)، چیزی که حلال نیست (فراهیدی، 1409ق، ج 1، ص 92)، چیزی که شایسته نیست (ابن فارس، 1404ق، ج 4، ص 3 و ج 6، ص 104)، خودداری از سؤال و درخواست از مردم (ابن اثیر جزری، النهایة فی غریب الحدیث و الأثر، ج 3، ص 264). حالتی نفسانی که مانع تسلط شهوت بر انسان می گردد می باشد (جوادی و دیگران، 1384، ج ۱۱، ص ۳۱۰). عفت در اصطلاح اخلاقی عبارتست از: «عفاف، مَنَشی است که منشأ صدور کارهای معتدل می شود نه پرده دری می کند و نه گرفتار خمودگی شود.» (صدرالدین شیرازی، 1380، ج 2، ص 38) نیز عفت به معنای: «خوشتن داری در برابر تمایلات افراط گونه نسبت به لذت های مادی و نفسانی، که نقطه مقابل شهوت است، که قوه شهوت در خوردن و آمیزش جنسی، مطیع عقل باشد و از چیزی که عقل و شرع نهی کرده، اجتناب نماید.» (جوادی و دیگران، 1384، ج ۱۱، ص ۳۱۰)

علامه نراقی در تعریف عفت بیان می‌کنند: «عفت آن است که قوه شهویه در خوردن و نکاح (امور جنسی) از حیث کم و کیف مطیع و فرمانبر عقل باشد و از آن چه عقل نهی می‌کند اجتناب نماید و این همان حد اعتدال است که عقل و شرح پسندیده است.» (نراقی، 1383، ج 2، ص 15)

اقسام حیا

شرم و حیا، به دو گونه است ممدوح و پسندیده، مذموم و نکوهیده. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) می‌فرماید: «الْحَيَاءُ عَلَى وَجْهَيْنِ فَمِنْهُ الضَّعْفُ وَ مِنْهُ قُوَّةٌ وَ إِسْلَامٌ وَ إِيمَانٌ؛» «حیا بر دو نوع است؛ یک نوع آن ضعف و زبونی و نوع دیگرش، قوت و ایمان است.» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۸، ص 334) در ادامه به چند مورد از موارد حیا مثبت، اشاره می‌شود.

1. حیا از خدا

حیا از خدا به معنای در نظر گرفتن او در همه حالات و پرهیز از نافرمانی پروردگار است. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) می‌فرماید: «از خدا حیا داشته باشید آن‌طوری که حق حیاست.» (دیلمی، 1349، ج 1، ص 267).

اطرافیان پرسیدند: چه کسی این‌گونه است؟ حضرت فرمود: کسی که مرگ را نزدیک ببیند، به دنیا و زینتش زهد بورزد، سر و شکم خود را حفظ کند و قبر را فراموش نکند (دیلمی، همان، ج ۲، ص 64). بنابراین اولین مصداق از مصادیق حیا مثبت، شرم و حیا از خدای متعال است و شرم از خداوند هم به این است که انسان اوامر او را انجام دهد و از اموری که منع شده است دوری نماید.

در روایتی از امام علی (علیه السلام) آمده است: «أَفْضَلُ الْحَيَاءِ اسْتِحْيَاؤُكَ مِنْ اللَّهِ» (لیثی واسطی، ۱۳۷۹، ص 112)؛ «با فضیلت‌ترین و ارزشمندترین فردِ حیا این است که انسان از خدا خجالت بکشد.» به خصوص در ارتباط با معاصی و گناهان. حیا یعنی من از آن فعلی که نزد شاهد اعمالم قبیح است، خجالت بکشم و آن ترک کنم.

و در روایت دیگری حضرت می‌فرماید: «مَنْ لَمْ يَسْتَحْيِ مِنَ النَّاسِ لَمْ يَسْتَحْيِ مِنَ اللَّهِ» (تمیمی آمدی، ۱۳۹۹، ص ۲۵۷)؛ «هر کس که از مردم خجالت نکشد، از خدا خجالت نمی‌کشد.» حضرت در

و اهمیتی به برخی از مسائل نداده، و باعث تضعیف ایمان، تنزل روحی و شخصیتی افراد خانه می شود. به عنوان نمونه امیرالمؤمنین (علیه السلام) در روایتی فرمود:

«مَنْ أَتُحِفَ الْعِفَّةُ وَالْقَنَاعَةُ حَالَفَهُ الْعِزُّ» (تمیمی آمدی، 1366، ص 256)؛ «به هرکس عفت و قناعت هدیه داده شود، عزت و سربلندی با او هم قسم می شود.» و یا درباره تأثیر عفت بر تزکیه انسان فرمود: «بِالْعِفَافِ تُزَكُّوا الْأَعْمَالُ» (تمیمی آمدی، همان، ص 256)؛ «به وسیله عفت اعمال پاکیزه می شود.» و بنیان این خانواده به مرور زمان سست می شود.

نتیجه گیری

حیا یعنی اینکه انسان از ارتکاب کارهای زشت و بد شرم داشته باشد. حیا یکی از فضائل اخلاقی است که در هر فردی به نسبتی وجود دارد.

شیوع بی حیایی در جامعه بر تضعیف نظام خانواده دارای پیامدهایی است که برخی از آنها عبارتند از: طلاق، عدم وفاداری به همسر، عدم تعهد و پایبندی به زندگی، غفلت و هرزگی و سست شدن حریم حیا و عفاف.

با از بین رفتن پوشش حیا، ممکن است زن و مرد به یکدیگر خیانت کنند و تعهد و پایبندی به زندگی برای آنها معنا و مفهومی نداشته باشد. در نتیجه به همسر خود، به عنوان تنها تأمین کننده نیازهای جنسی نگاه نمی کند و از زنان دیگر هم بهره جنسی می بردند. چون کسی که متزین به صفت حیا باشد چنین شخصی هرگز اجازه خیانت به همسر را به خود نمی دهد.

برای این فرد دیگر عدم وفاداری به همسر معنایی ندارد و این خود منجر به طلاق می گردد. طلاق باعث سست شدن بنیان خانواده و افزایش طلاق در سطح جوامع است. در حال حاضر به علت وجود فضای مجازی و وسوسه های ناشی از آن، اگر یکی از زوجین به انحراف برود و روابط نامشروع با جنس مخالف داشته باشد. در بیشتر این روابط، روابط عاطفی خانواده از بین رفته و بنیان آن سست می شود. این انحراف در بسیاری از خانواده ها باعث طلاق و جدایی و یا کم شدن روابط عاطفی بین زن و مرد می شود.

از دیگر پیامدهای شیوع بی‌حیایی در جامعه، عدم مراقبه و محاسبه است. مراقبه عبارت است از محافظت نفس در انجام کارهای خوب و جلوگیری از کارهای زشت. افرادی که دارای حیا نیستند به مراقبه نفس نمی‌پردازند و در خانه به برخی از مسائل نداده، و باعث تضعیف ایمان، تنزل روحی و شخصیتی افراد خانه می‌شود.

منابع

* قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی.

کتب فارسی

1. بحرالعلوم، محمد مهدی، رساله سیر و سلوک (تحفه الملوك)، چاپ چهارم، قم: انتشارات علامه طباطبائی، ۱۴۱۸ق.
2. جوادی، احمد و دیگران، دایره المعارف تشیع، تهران: شهید سعید محبی، چاپ اول، ۱۳۸۴ش.
3. خوانساری، محمد بن حسین، شرح آقا جمال الدین خوانساری بر غرر الحکم و درر الکلم، چاپ چهارم، تهران: دانشگاه تهران، 1366ش.
4. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، 1373ش.
5. دیلمی، حسن بن محمد، إرشاد القلوب، ترجمه مسترحمی، چاپ سوم، تهران: مصطفوی، ۱۳۴۹ش.
6. دیلمی، احمد و مسعود آذربایجانی، اخلاق اسلامی، قم: معارف، 1385ش.
7. فیض کاشانی، محسن، راه روشن، ترجمه محمدصادق عارف و دیگران، مشهد: بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی، ۱۳۷۲ش.
8. شریف قرشی، باقر، نظام خانواده در اسلام (بررسی تطبیقی)، چاپ چهارم، تهران: امیرکبیر، 1389ش.
9. طباطبائی، محمدحسین، تفسیر المیزان، مترجم محمد باقر موسوی همدانی، چاپ بیست هشتم، قم: دفتر نشر انتشارات اسلامی، 1388ش.
10. طوسی، نصیرالدین، اخلاق ناصری، تهران: اسلامیه، 1385ش.
11. محمدی ری‌شهری، محمد، تحکیم خانواده از نگاه قرآن و حدیث، قم: دار الحدیث، 1389ش.
12. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، تفسیر نمونه، تهران: دار الکتب الإسلامیة، چاپ بیست پنجم، 1385ش.

13. نراقی، محمد مهدی، علم اخلاق اسلامی، جلال الدین مجتبوی، تهران: انتشارات حکمت، 1377ش.

کتاب عربی

14. ابن اثیر جزری، مجدالدین، النهایه فی غریب الحدیث والاثر، قم: اسماعیلیان، بی تا.
15. ابن فارس، احمد، معجم المقاییس اللغه، تحقیق محمد عبدالسلام هارون، قم: مکتب الاعلام اسلامی، چاپ اول، 1404ق.
16. ابن مسکویه، احمد بن محمد، تهذیب الاخلاق و تطهیر الاعراق، چاپ سوم، قم: بیدار، ۱۴۱۱ق.
17. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت: دار الصار، چاپ سوم، 1414ق.
18. بحرانی، هاشم بن سلیمان، البرهان فی تفسیر القرآن، قم: مؤسسه بعثه، ۱۳۷۴ش.
19. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد، تصنیف غررالحکم ودرر الکلم، محقق مصطفی درایتی، قم: دفتر تبلیغات، 1366ش.
20. جوهری، اسماعیل بن حمّار، تاج اللغه و صحاح اللغه، تحقیق احمد بن عبدالغفور عطار، تهران: انتشارات امیری، 1368ش.
21. حمیری، عبدالله بن جعفر، قرب الاسناد، قم: آل البيت، ۱۴۱۳ق.
22. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، المفردات فی غریب القرآن، تحقیق صفوان عدنان داودی، چاپ یکم، بیروت: دارالعلم، 1412ق.
23. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم، اسفار الاربعه، تهران: مولى، 1380ش.
24. فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، چاپ دوم، قم: هجرت، 1409ق.
25. فیروز آبادی، محمد بن یعقوب، القاموس المحیط، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا.
26. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، 1385ش.
27. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت: مؤسسه الوفاء، 1403ق.
28. زمخشری، محمود بن عمر، الفائق فی غریب الحدیث، بیروت: دارالکتب العلمیه، 1417ق.
29. معصومی، مسعود، احکام روابط زن و مرد، قم: بوستان، 1383ش.
30. نراقی، محمد مهدی، جامع السعادات، قم: اسماعیلیان، 1383ق.

31. لیثی واسطی، علی بن محمد، عیون الحکم و المواعظ (للیثی)، قم: دار الحدیث،

۱۳۷۶ش.

مقاله ها

32. حسین زاده، علی، بهار 1389، نقش عفت و حیا در رضایتمندی زن و شوهر،

فصلنامه معرفت اخلاقی، شماره 2.

33. حلاج، محمدمهدی، فضای مجازی، ابعاد، ویژگی ها و کارکردهای آن در عرصه

هویت با محوریت شبکه های اجتماعی مجازی، مجله معرفت، 1393ش، ش 201.

34. کشفی دارابی، جعفر، حیا و آثار آن، مجله گنجینه، 1383ش، ش 47.